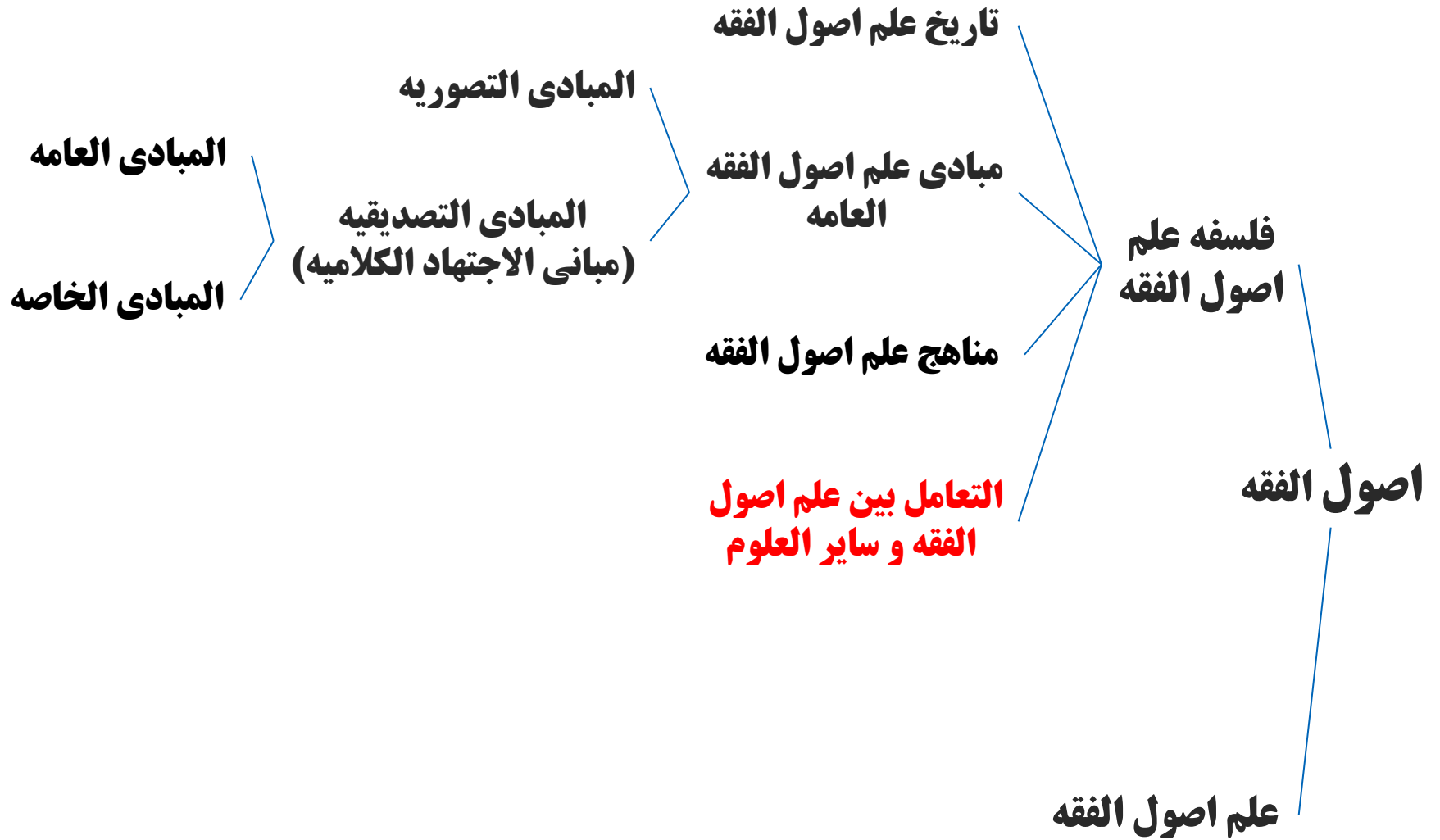
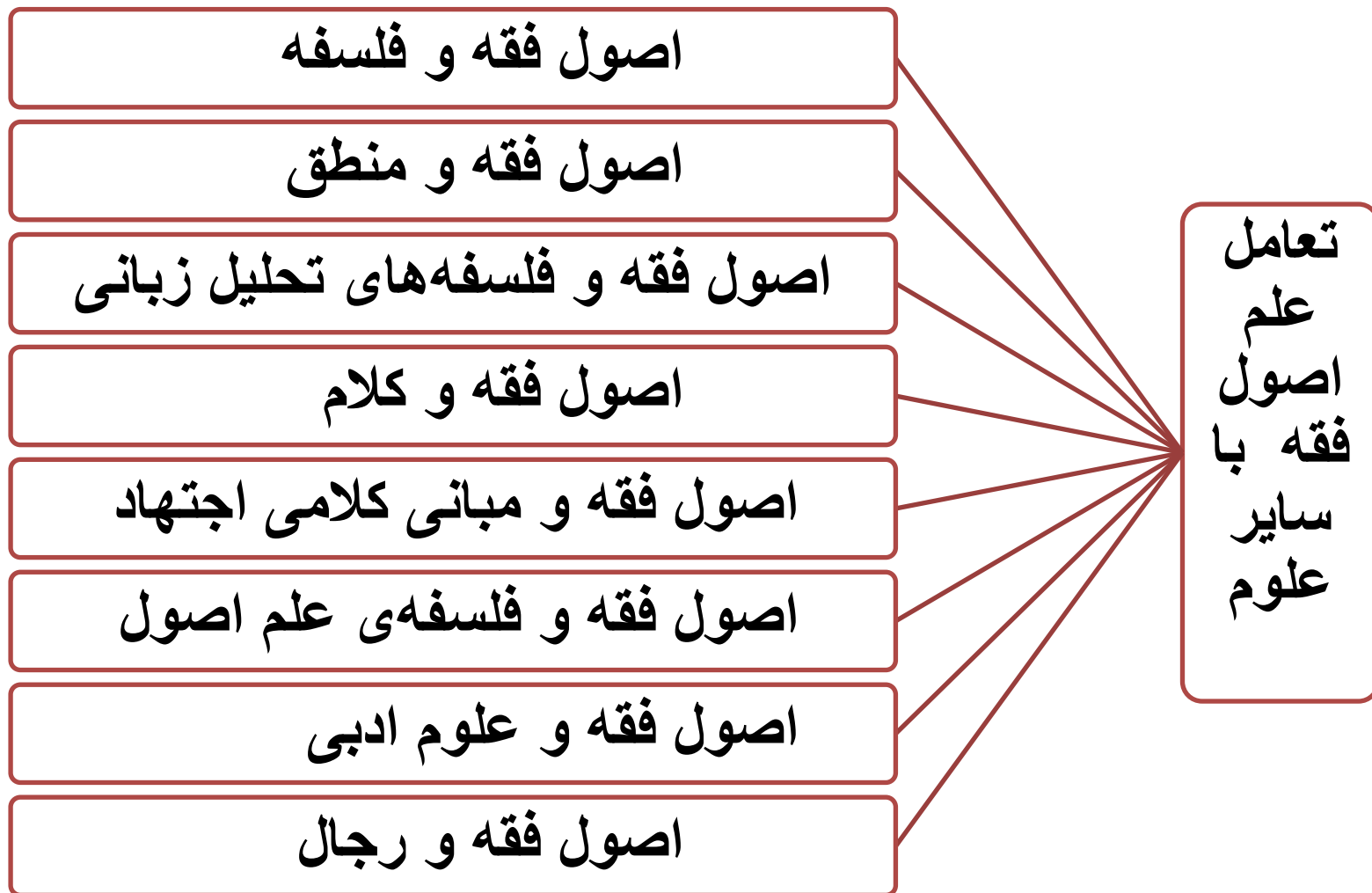


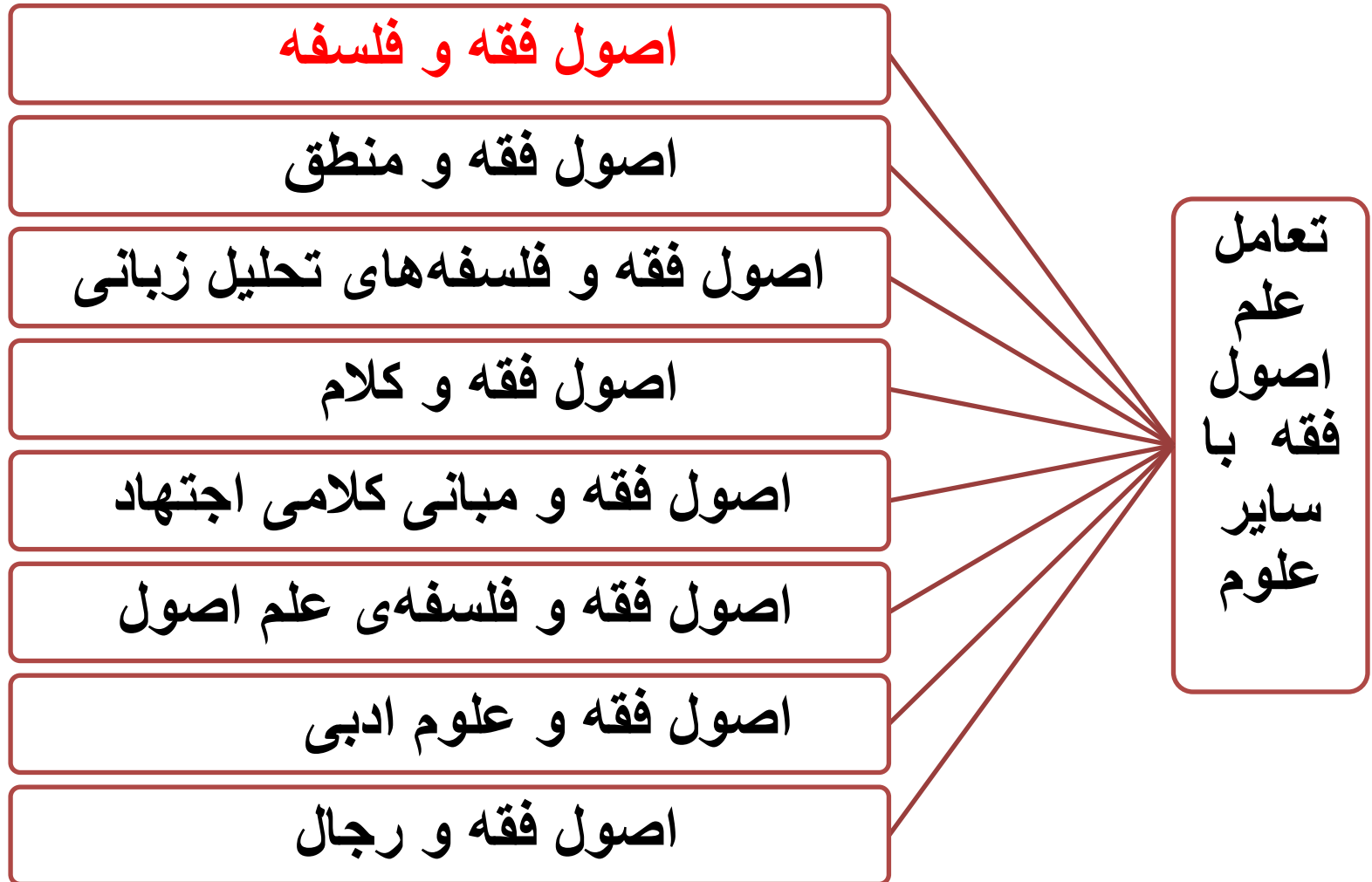
علم اصول الفقہ

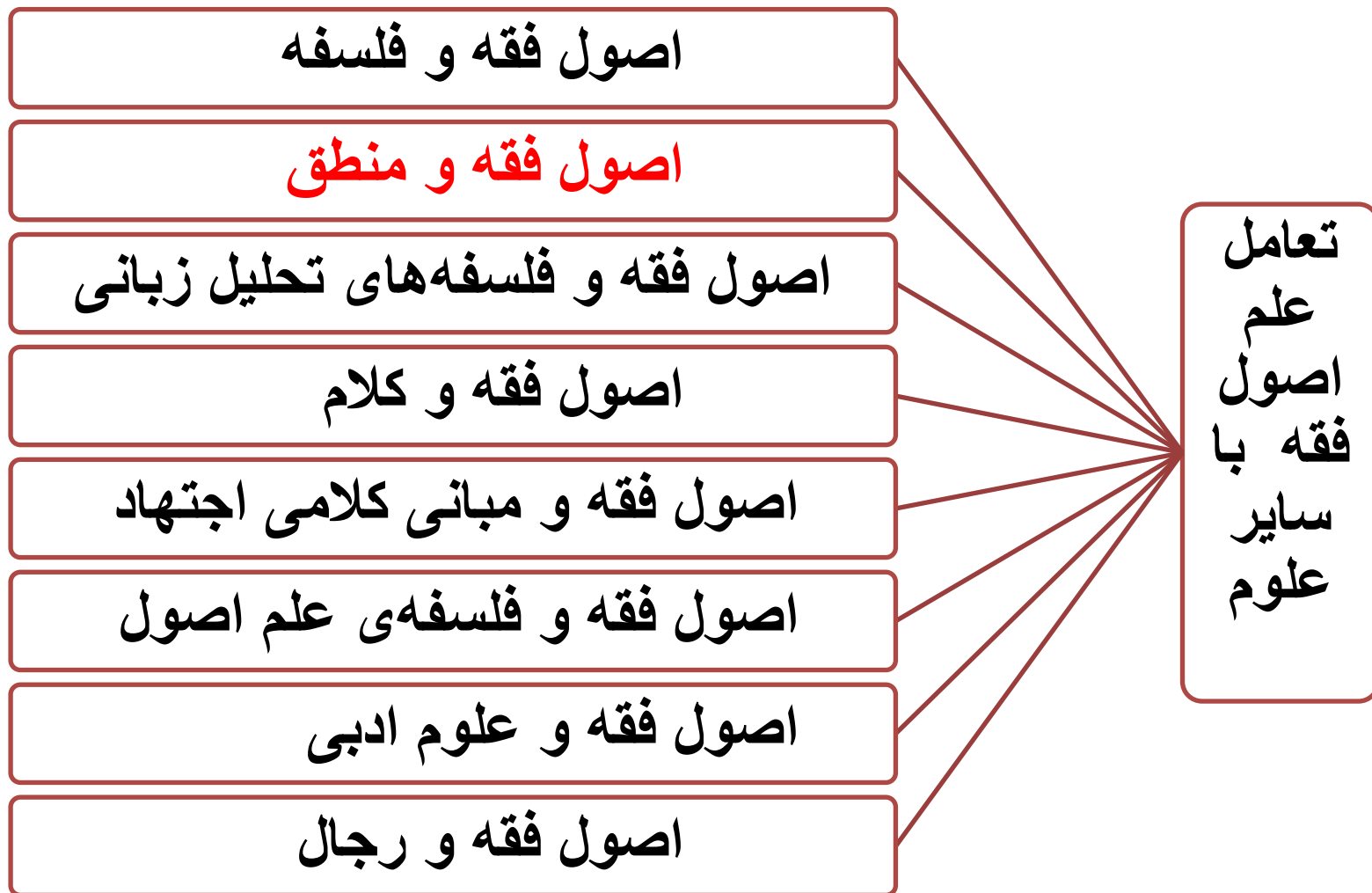
۹-۱۰-۹۴ تعامل علم اصول فقہ با سایر علوم ۱۱

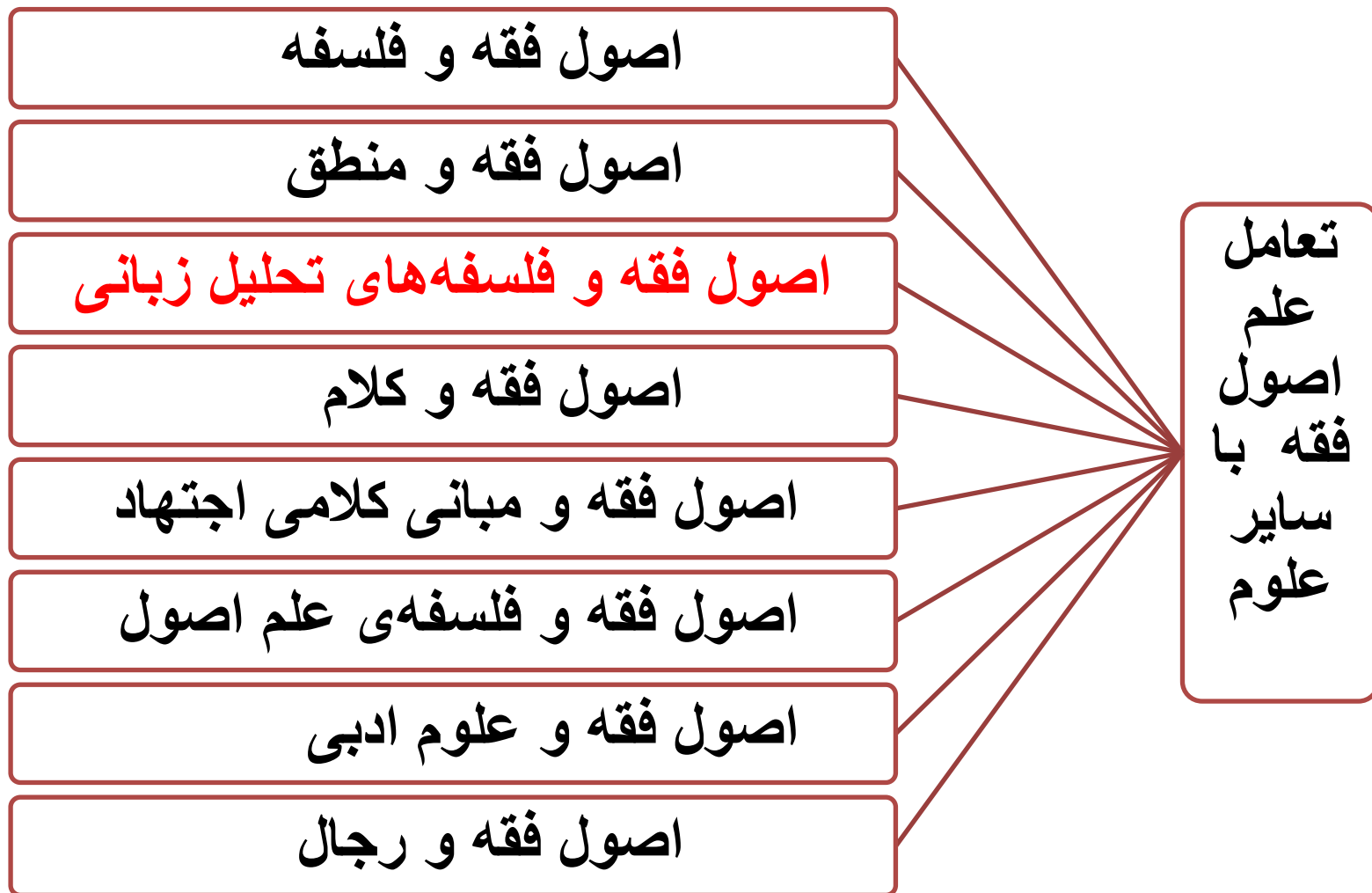
دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

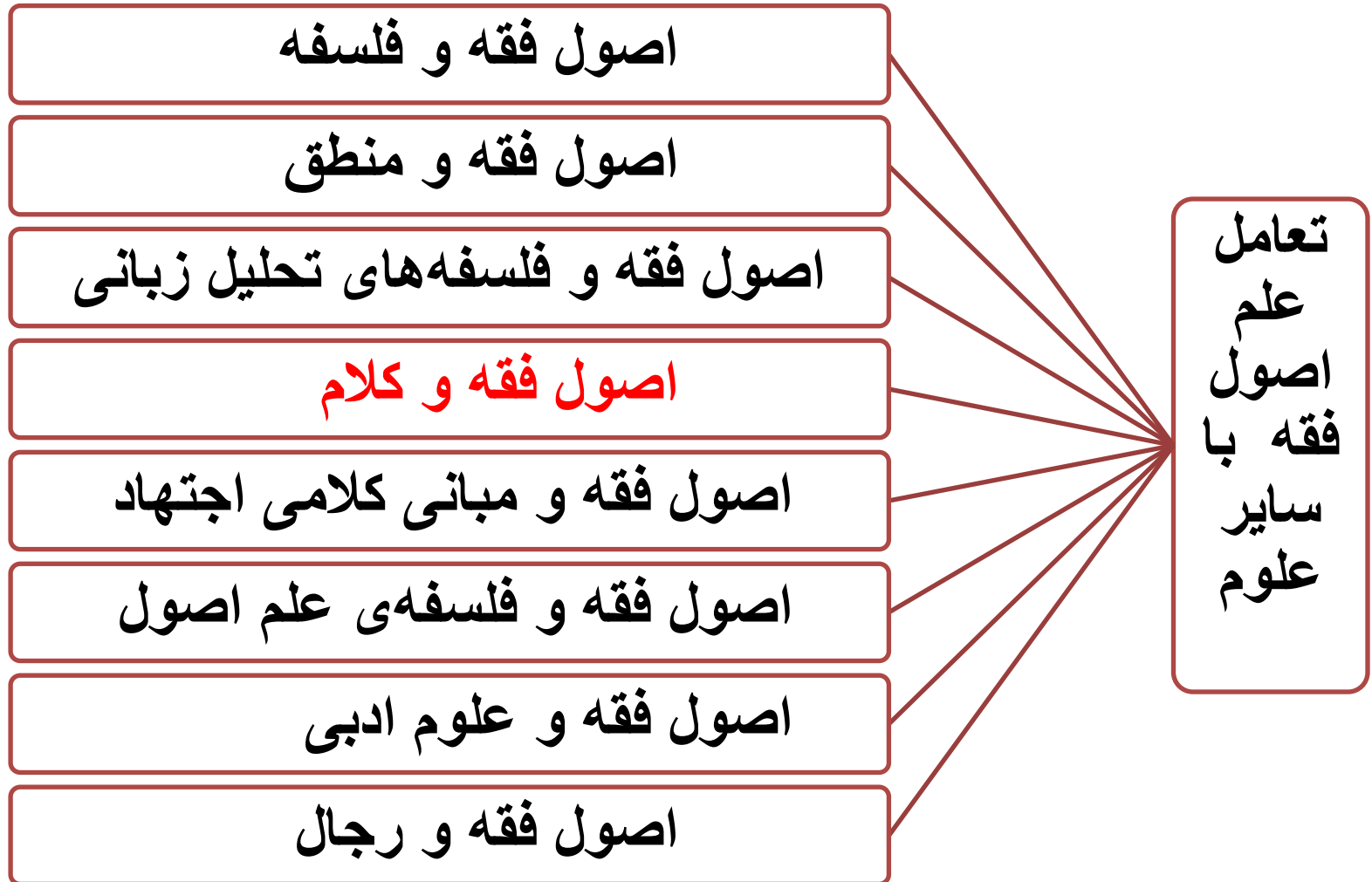


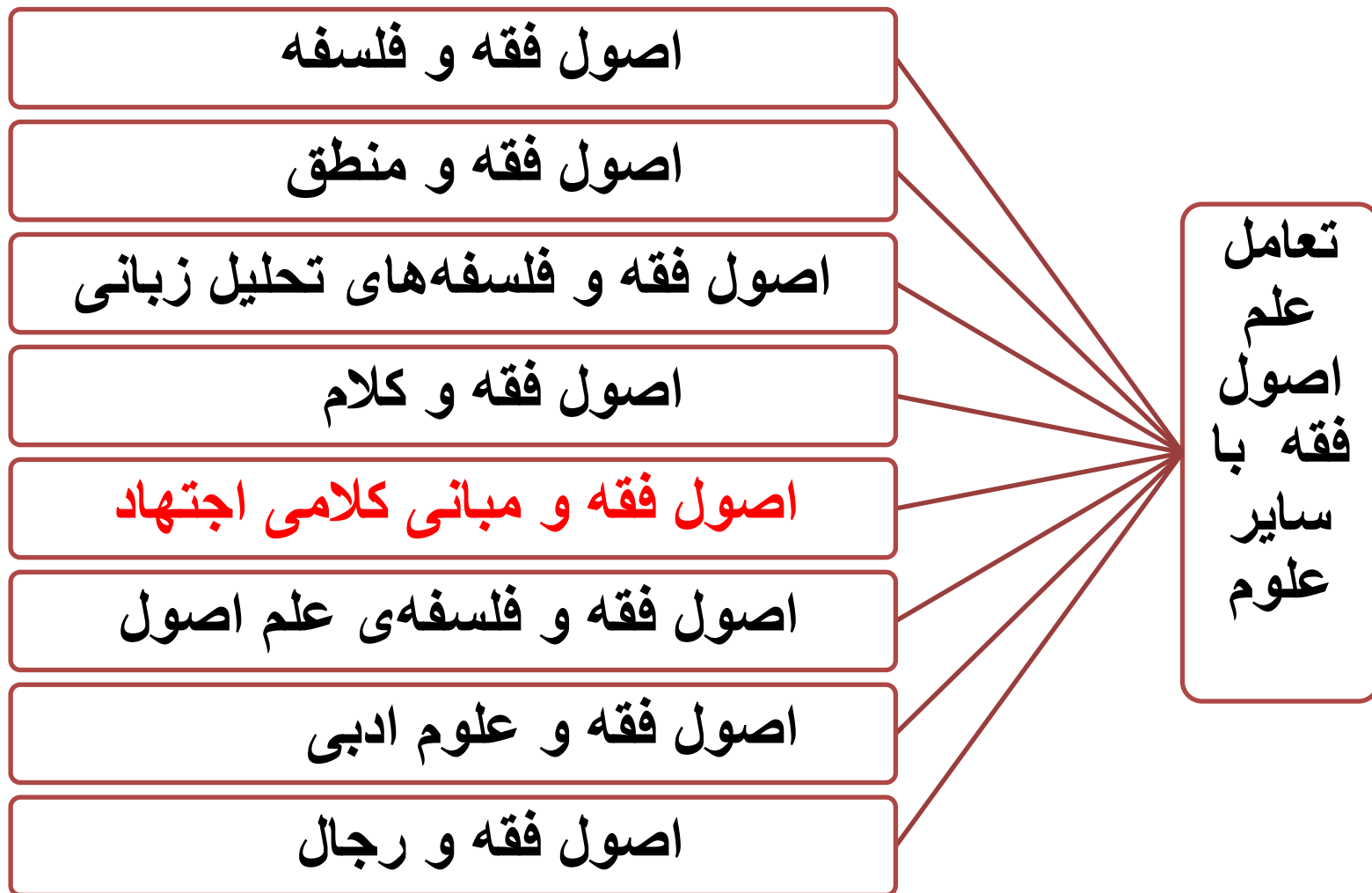


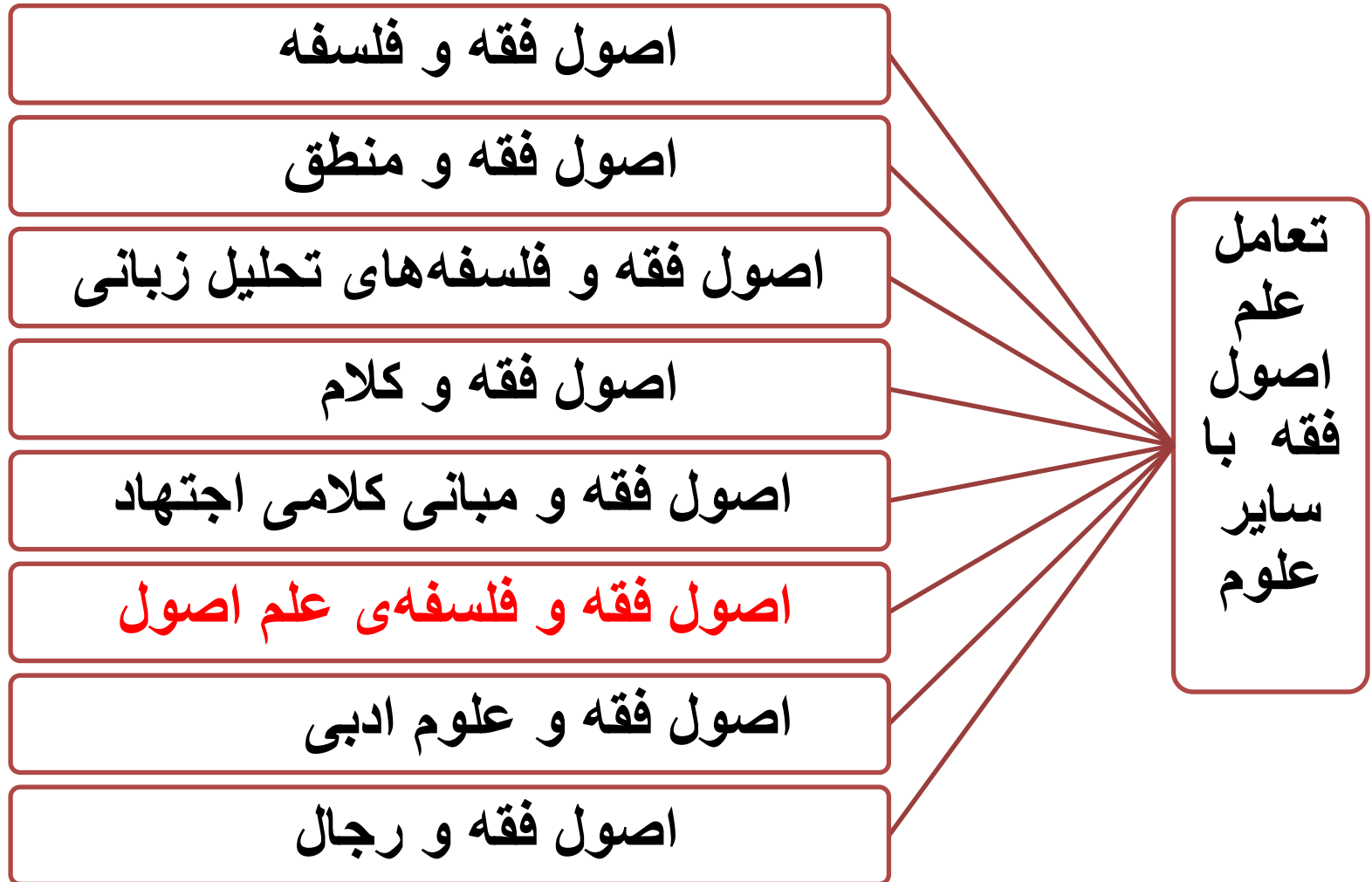


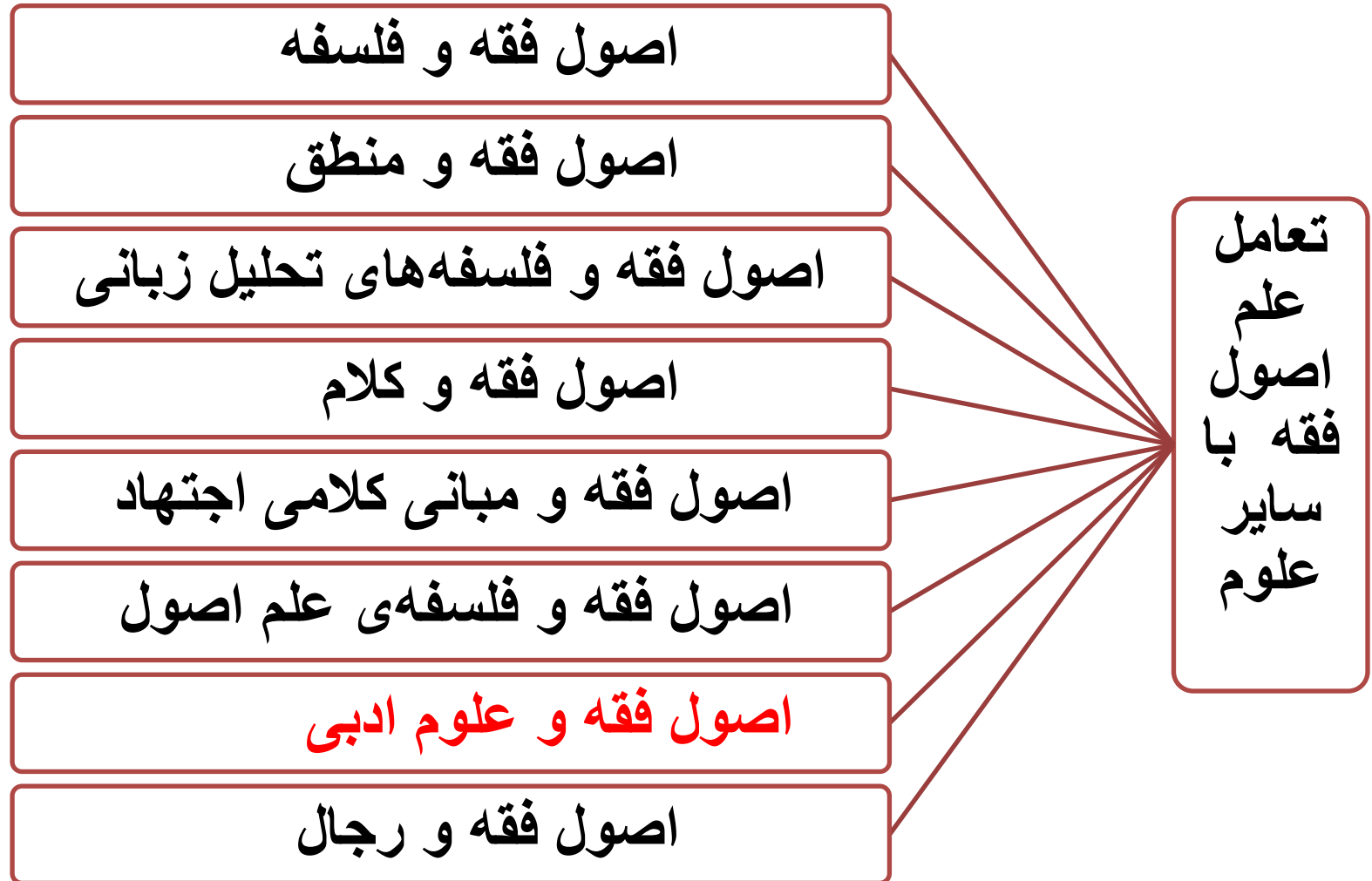


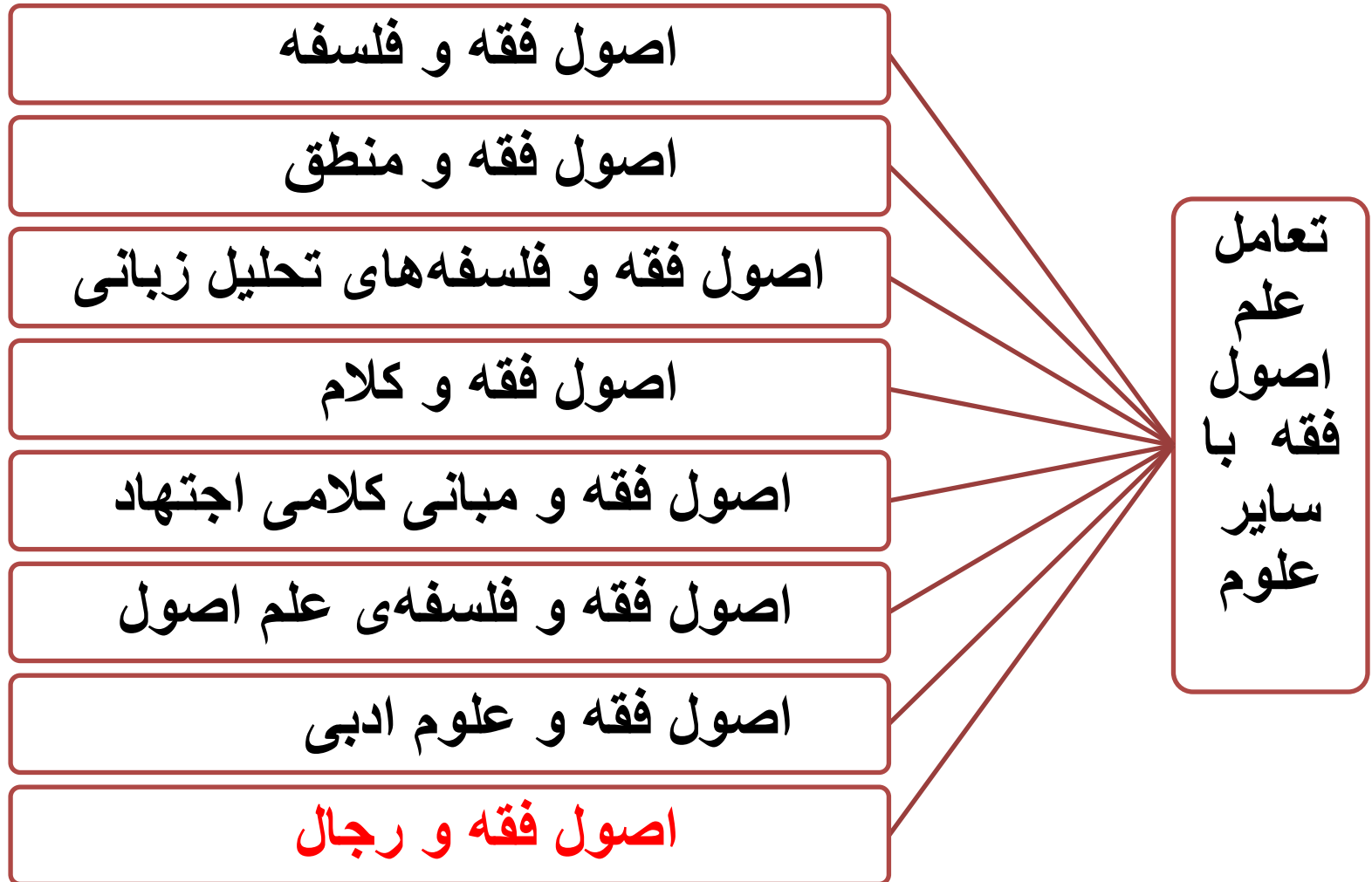


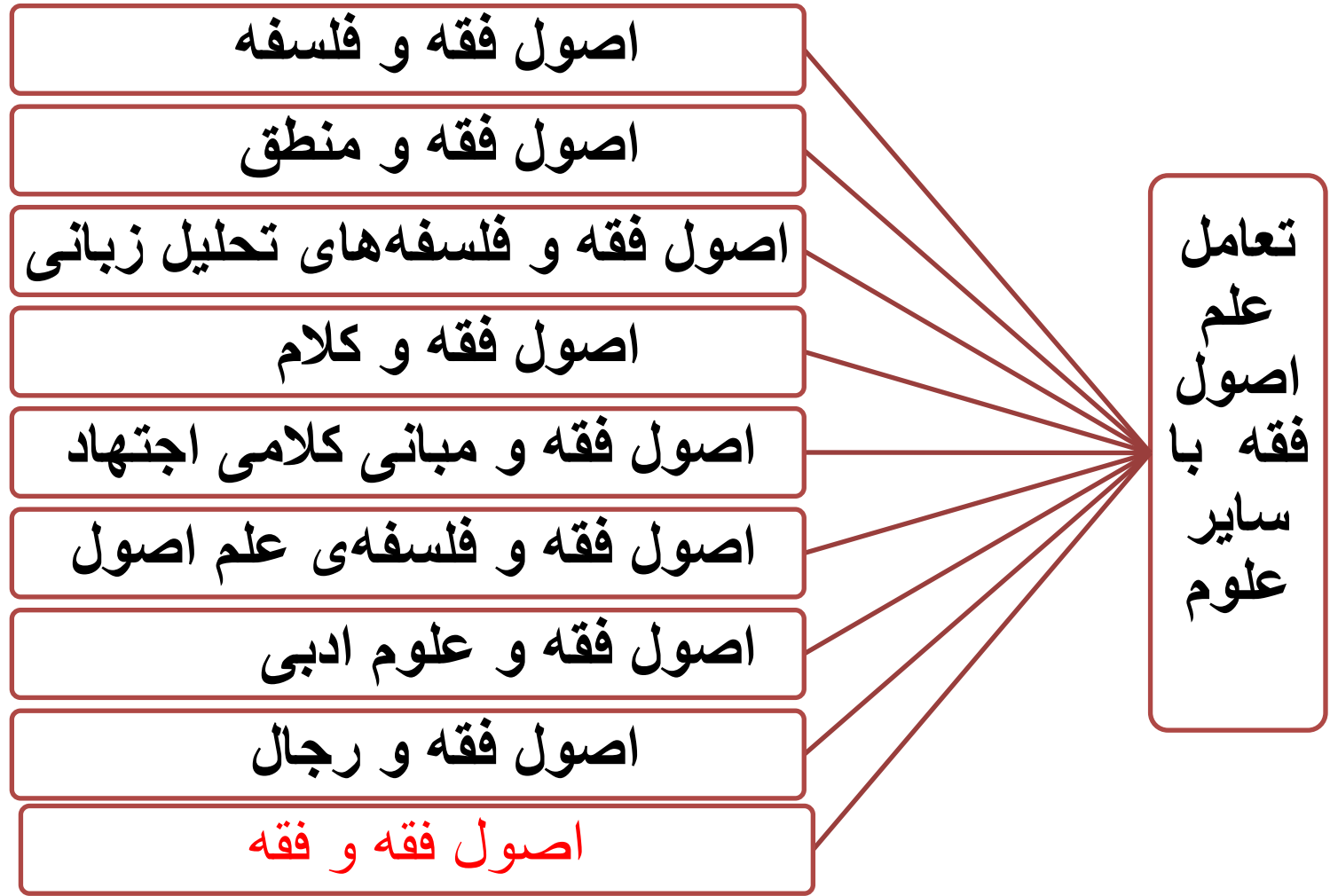


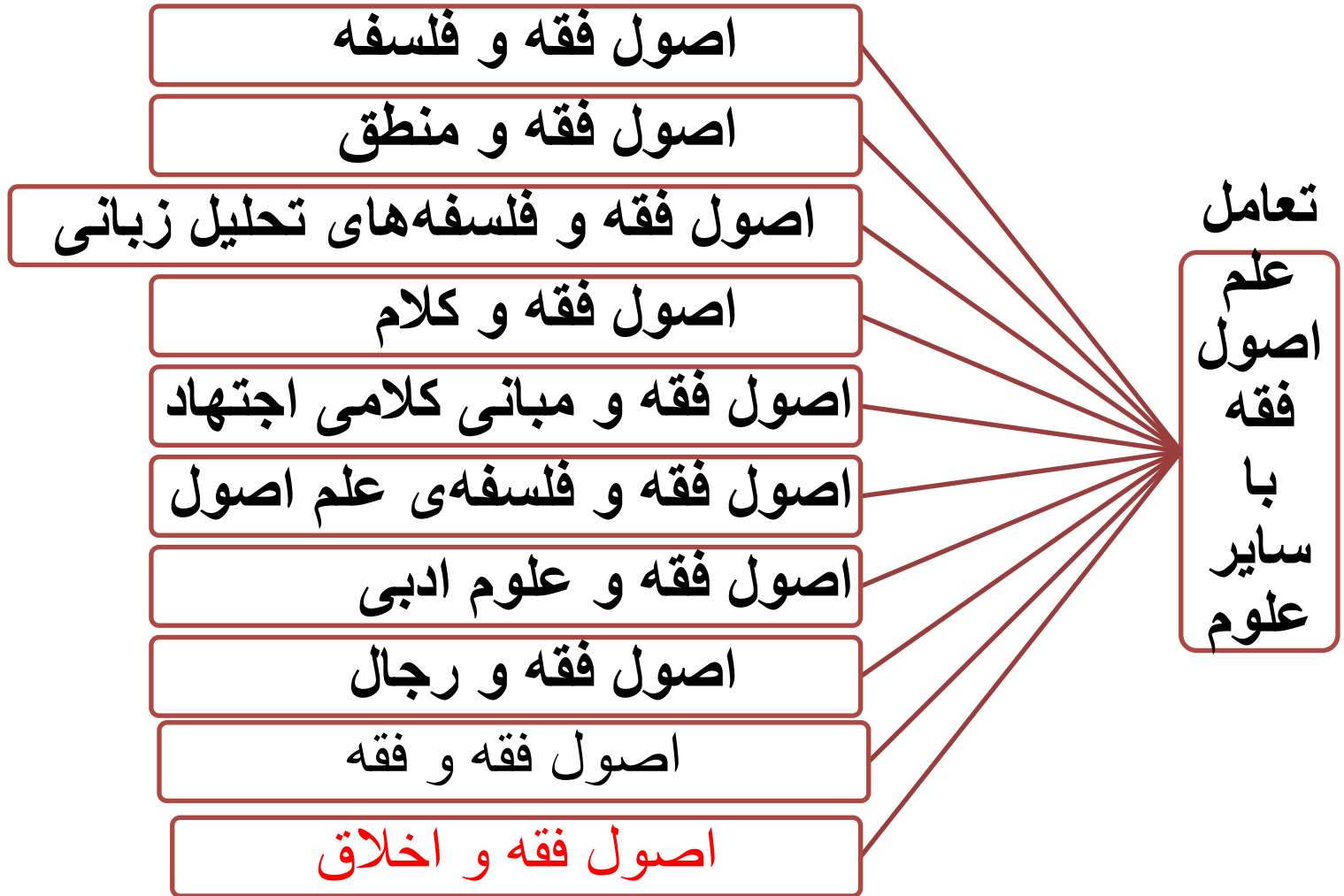


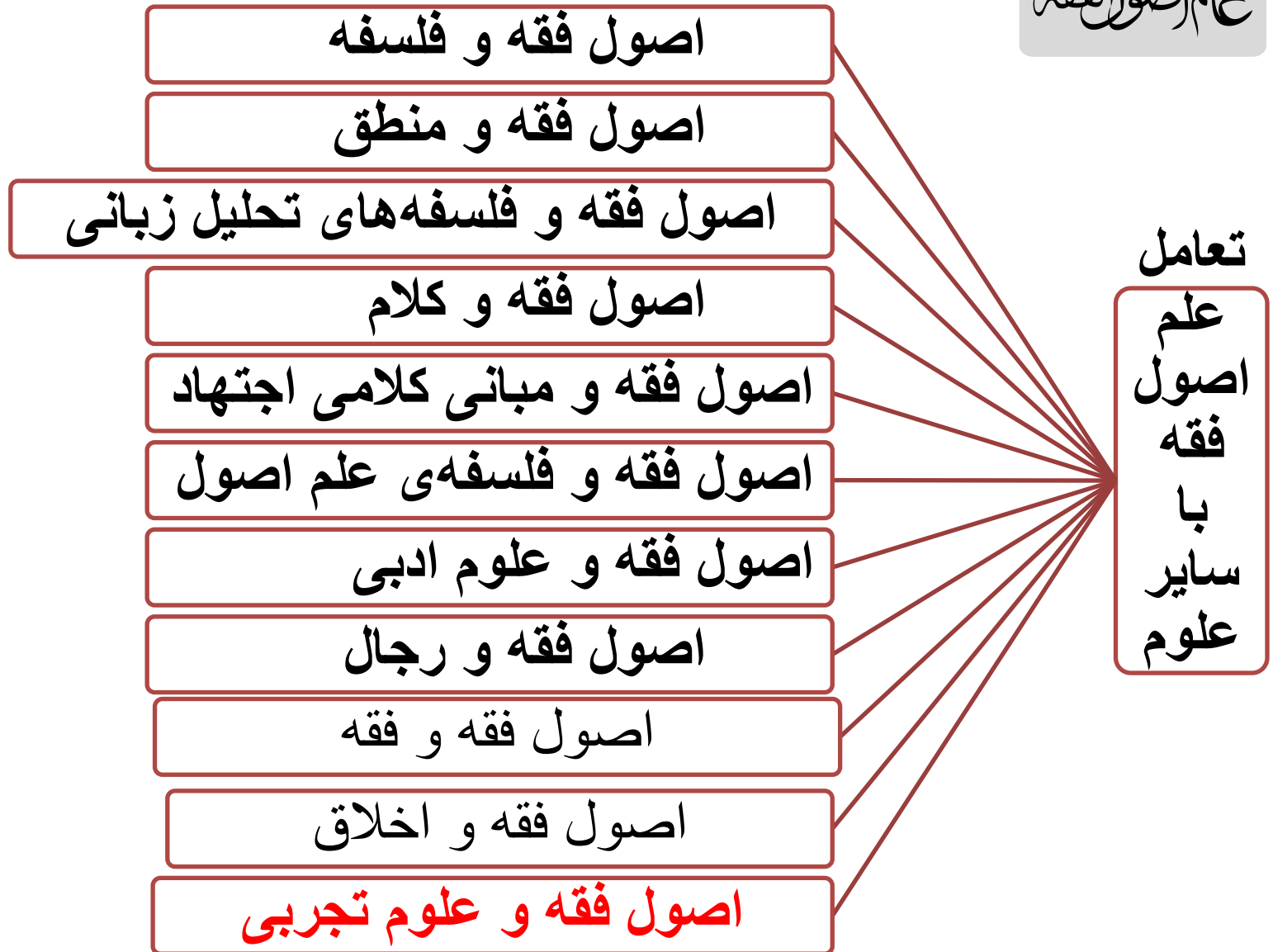














علومی مثل روان شناسی، جامعه شناسی، اقتصاد، مدیریت، علوم سیاسی و... نیز در آنجا که بخواهیم دیدگاه دین را در این زمینه‌ها بدانیم، با اصول ارتباط پیدا می‌کنند.

اما خود این علوم مستقیماً در
علم اصول کاربرد ندارند؛ مگر
این که مثل علم فقه، منشأ
برخی بحث‌های اصولی شوند.

اصول فقه و علوم انسانی

به طور مثال وقتی در جست‌وجوی دیدگاه‌های اسلام در زمینه‌ی اقتصاد بودیم، بر آن شدیم که مرز بین علم اقتصاد و مکتب و نظام و فلسفه‌ی اقتصادی را از هم جدا کنیم.

در آنجا به این بحث پرداختیم که مکتب و نظام نیازمند کار فقهی هستند و برای استنباط مکتب، همان قواعدی که برای استنباط احکام به کار می‌رود، کافی است؛ اما برای استنباط نظام به قواعد دیگری نیاز داریم که باید مورد بحث قرار گیرد.

بدین ترتیب با شروع در بحث‌های اقتصادی، به یک سری سؤالات و پرسش‌های اصولی می‌رسیم.

اصول فقه و علوم انسانی

- همه‌ی اصولی‌ها و قریب به اتفاق آنها، حجیت خبر واحد را پذیرفته و آن را به ویژگی‌های راوی وابسته می‌دانند. از این رو، به علم رجال پرداخته می‌شود.
- قیاس به معنای منطقی نه به معنای فقهی.

اصول فقه و علوم انسانی

- همانند این اتفاق در علم رجال نیز رخ داد. علم رجال دو بخش دارد. یک بخش آن یعنی جزئیات، همان بخشی است که وقتی صحبت از رجال می‌شود، آن به ذهن می‌آید؛ مثل این که «زراره ثقه است» یا «زراره از اصحاب فلان امام است» و یا «زراره از فلان افراد مستقیماً نقل می‌کند»... اما بحث‌های دیگر رجال که به آن کلیات گفته می‌شود، شبیه علم اصول است نسبت به فقه. این مباحث، قواعدی هستند که در گذشته در لابلای همان جزئیات مطرح می‌شدند و کم‌کم بر اثر توجه متأخرین به این که این مباحث کلی هستند و اختصاص به یک مورد خاص ندارند، از جزئیات جدا شدند و کلیات علم رجال را تشکیل دادند.

اصول فقه و علوم انسانی

- هر چند برخی از متأخرین به خیلی از این قواعد رجالی اشاره کرده‌اند و حتی برخی از معاصرین مثل مرحوم آقای خویی، آنها را به عنوان مقدمه‌ی کتاب رجال خویش آورده‌اند، اما تدوین این بخش در قالب یک مجموعه‌ی منسجم کاملاً جدید است. اولین کتابی که در این زمینه نوشته شده و این مجموعه را در قالب یک علم مطرح کرده، کتاب آقای سبحانی است. کارهای بعدی در این زمینه با الهام از کار ایشان صورت گرفته است.

اصول فقہ و علوم انسانی

- برخی به بهانه‌ی تسامح در ادله‌ی سنن به هر چیزی تمسک می‌کنند و گاهی توجه ندارند آنچه به آن تمسک می‌کنند با روح اسلام و آموزش‌های آن ناسازگار است.
- بحث تسامح در ادله‌ی سنن که بیشتر ادله‌ی من بلغ بر آن دلالت دارد، بحثی است که در آینده به آن می‌پردازیم. معنای این ادله این است که اگر کسی عملی را به گمان این که دینی است، انجام دهد به او ثواب می‌رسد. این به تعبیری که بیان می‌کنیم بر ثواب انقیاد دلالت دارد - در مقابل ثواب طاعت - ؛ شبیه عقاب تجری در مقابل عقاب عصیان.

اصول فقہ و علوم انسانی

- برخی به غلط گمان کرده‌اند معنای تسامح در ادله‌ی سنن این است که لازم نیست در مستحبات و مکروهات به دنبال دلیل بگردیم. در حالی که برای کشف امور مستحب، همان قدر به حجت نیازمندیم که در امور واجب به آن نیازمندیم. اصلاً اخبار من بلغ چنین دلالتی ندارد.

اصول فقہ و علوم انسانی

- بدتر از این در اخلاق پیش آمده است. با تسامح در ادله‌ی سنن به هر چیزی تمسک می‌کنند و توجه به ناسازگاری آنها با آموزه‌های اسلامی ندارند. به همین سبب گاه اتفاق افتاده که عده‌ای در پی شیفتگی نسبت به یک نظریه، در اسلام دنبال چیزی می‌گردند که بتوانند با آن به آنچه دوست دارند، رنگ اسلامی بزنند و آن را به عنوان دین عرضه کنند. و این چیزی نیست که اختصاص به امروز داشته باشد. در گذشته هم این اتفاق افتاده است. امروزه نظریات غربی و در گذشته نظریاتی که در تصرف هندی و... بوده، منشأ بروز این افکار در اسلام شده است که با اخلاق و عرفان واقعی اسلام در تعارض است.

اصول فقہ و علوم انسانی

- بسیاری از متدینان به واجبات و محرمات بها می‌دهند که این خوب است؛ اما در اخلاق اصلاً دقت نمی‌کنند و به حالات روحی خودشان بی‌توجه‌اند. گاهی یک آدم متدین، تندخو است، یا بخیل است و یا حسود است و یا... او ممکن است فعلی از روی حسادت انجام ندهد، چرا که می‌داند این کار حرام است؛ اما این ویژگی در او هست که چه بسا در جایی جوانه می‌زند و مشکلاتی به بار می‌آورد.
- به طور مثال حجیت خبر واحد یک امر اعتباری است که پذیرش آن بابتی از مطالب دینی را برای ما می‌گشاید.
- مثل مطالب طبی یا نجومی که در قرآن و روایات وارد شده است.

